

تبیین و بررسی شاخص تاب‌آوری به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی در علوم اجتماعی و قرآن کریم

جلیل بیت مشعلی^۱، دکتر سعید عباسی‌نیا^۲ و دکتر علی حسین حسین‌زاده^۳

تاریخ وصول: ۹۹/۴/۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۵

چکیده:

شاخص‌های توسعه اجتماعی بر اساس تعاریف اقامه شده برای مفهوم توسعه و بر مبنای دیدگاه‌های مختلف و سازمان‌ها و مؤسسه‌هایی که ارائه گزارش‌هایی جهانی از توسعه اجتماعی را بر عهده دارند، متفاوت است؛ اما قدر متیقن وجوه اشتراک عدیده‌ای میان آنها قابل شناسایی است و از آنجا که دامنه مفهوم و به تبع آن شاخص‌های توسعه اجتماعی در قرآن گسترده‌تر است لذا رهیافت‌های قرآنی شاخص‌های مذکور را پوشش داده؛ گرچه برخی را برجسته‌تر و دارای تأکید بیشتری معرفی می‌نماید. در بررسی‌های اولیه شاخص‌هایی همچون: مشارکت‌پذیری، رواداری، نظارت عمومی و ... در قرآن به شکل برجسته‌تری مورد تأکید است. یکی از این شاخص‌های برجسته، «تاب‌آوری» است. این پژوهش با این پرسش که مفهوم شاخص تاب‌آوری در علوم اجتماعی، با قرآن و مفاهیم قرآنی چه رابطه‌ای دارد؟ و آیا مفهوم تاب‌آوری که امروزه در علوم اجتماعی وجود دارد همان مفهومی از تاب‌آوری موجود در قرآن است؟ این نتایج را دربرداشت که واژگان و مفاهیمی همچون صبر، رص، استقامت، ثبات، طاقت‌آوری، عسر و يسر و ... تأمین‌کننده مفهوم کلی تاب‌آوری در قرآن هستند بلکه تاب‌آوری در مفهوم قرآنی علاوه بر مقاومت‌سازی مادی جامعه در برابر انواع مصائب و ناگواری‌ها، بعد حیات معنوی و نیز اخروی بشر را نیز پوشش می‌دهد.

مفاهیم کلیدی: تاب‌آوری، توسعه اجتماعی، شاخص‌های توسعه، علوم اجتماعی، قرآن

^۱ دانشجوی دکتری گروه الهیات و معارف اسلامی، علوم قرآن و حدیث، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی آبادان، آبادان، ایران beitmashal.jalil@gmail.com

^۲ استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، علوم قرآن و حدیث، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی آبادان، آبادان، ایران (نویسنده مسئول) dr.abbasinya@iaubadan.ac.ir

^۳ گروه الهیات و معارف اسلامی، علوم قرآن و حدیث، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی آبادان، آبادان، ایران، استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، اهواز، ایران a.hosseinzadeh@scu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

توسعه‌ی اجتماعی^۱ از جمله مباحث بین رشته‌ای شمرده می‌شود. زیرا علوم مختلف نظیر اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی در مورد آن به بحث می‌پردازند و هر کدام به نوعی در شکل‌گیری آن نقش دارند. در واقع توسعه کوششی است به منظور نیل به تعادلی که تاکنون تحقق نیافته است و یا راه‌حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود داشته و تجدید حیات می‌یابد (Rocher, 1997:185). به عبارت دیگر توسعه‌ی اجتماعی از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت می‌باشد به این مناسبت است که گفته شده: «منظور از توسعه‌ی اجتماعی اشکال متفاوت کنش متقابلی است که در یک جامعه‌ی خاص همراه با توسعه‌ی تمدن رخ می‌دهد» (Tavassoli, 1994:438). پس توسعه‌ی اجتماعی در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر در الگوهای زاید رفتاری، شناختن و روی آوردن به نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب‌تری است که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی باشد. ملاحظه می‌شود که توسعه‌ی اجتماعی در قیاس با مفاهیمی چون توسعه‌ی اقتصادی حوزه‌ی وسیع‌تری را در بر می‌گیرد. مطابق با ادبیات علوم اجتماعی اولیه، توسعه‌ی اجتماعی تقریباً مترادف تکامل اجتماعی به کار می‌رود. مراحل تکامل جامعه‌ی بشری که اغلب اوقات در یک چشم‌انداز جامعه‌شناختی کلان تعیین می‌شود نمودی از توسعه‌ی اجتماعی به شمار می‌آید. بسیاری از تکامل‌گرایان به نوعی کلیت و جهان‌شمولی و اجتناب‌ناپذیری در این توالی‌های تکاملی اعتقاد دارند. در بحث‌های جدیدتر، مفهوم توسعه‌ی اجتماعی از فرضیه تکاملی جدا شده و روی موضوعات مربوط به تامین نیازهای بشر و ارتقاء کیفیت زندگی تمرکز کرده است.

حال اگر توسعه‌ی اجتماعی به معنای گسترده آن مورد نظر باشد دقیقاً معادل توسعه همه جانبه خواهد بود ولی اگر جایگاه توسعه‌ی اجتماعی در مقابل توسعه‌ی سیاسی، اقتصادی و غیره در نظر باشد، باید توسعه‌ی اجتماعی را در چگونگی شخصیت فردی، خانوادگی و وجود نهادهای اجتماعی مناسب و تاثیر گذار نظیر آموزش و پرورش، آموزش

¹ social development

عالی، تامین اجتماعی و... جستجو کرد. در این معنا، برای تحقق توسعه‌ی اجتماعی باید شاخص‌های زندگی و رفاه اجتماعی بهبود پیدا کند (Tavassoli, 1994:438). اما توسعه با مفهوم دیگری را نیز می‌توان تصور کرد که آغاز و انجامش متفاوت با توسعه‌ی غربی باشد: "توسعه" در مفهوم دینی و قرآنی، بازنمایی از رشد و شکوفایی است که در آن دو پهنه حیات مادی و معنوی بشر مورد توجه قرار می‌گیرد و هم شامل دنیا و آخرت اوست. حال با توجه به این مقدمه باید به این پرسش مهم پاسخ داد که چگونه می‌توان به بحث توسعه‌ی اجتماعی از دیدگاه دین و قرآن پرداخت؟ در پاسخ باید گفت که در واقع ما با یک پرسش درون قرآنی مواجه نیستیم بلکه این پرسش برگرفته از مطالعات حوزه‌ی جامعه‌شناسی و مطالعات اجتماعی است. به‌عبارت دیگر توسعه‌ی اجتماعی دارای شاخص‌ها، روندها و فرآیندهایی است که تحت نظر برخی نظریه‌ها با هم تفاوت دارند. طبعاً مفهوم توسعه‌ی اجتماعی در نظریات مختلف آن با شاخص‌های خاص خود ظهور و بروز پیدا کرده است که در جای خود قابل بررسی است اما ما در این نوشتار خصوص تاب‌آوری به‌عنوان شاخصی از شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی را مطرح نظر داریم تا دریابیم که نسبت قرآن با این شاخص چیست؟ آیا می‌توان این شاخص را به‌عنوان شاخصی از شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی در قرآن قلمداد کرد؟

چارچوب نظری پژوهش

بحران‌ها و تنش‌های پی‌درپی اجتماعی در سراسر جهان، ضرورت نگرش ویژه و پرداختن به مقوله‌ی مقاوم‌سازی و تاب‌آوری در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و ... را سبب شده است. از این‌رو تاب‌آوری را می‌توان ظرفیت تبدیل، تحول، تطبیق، سازگاری و توان مقابله با تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی نامید. به نحوی که بسیاری از جوامع جهت دستیابی به توسعه و موفقیت، پیاده‌سازی سیاست‌های انعطاف‌پذیر و مقاومتی در برابر تغییرات و آسیب‌ها را در دستور کار خود قرار داده‌اند (Briguglio & et. al, 2000). ضرورت ورود ادبیات مقاوم‌سازی و تاب‌آوری به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی از آن جهت به امری ضروری و غیر قابل انکار تبدیل شده که می‌دانیم آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی و در نهایت بر هم خوردن رفاه اجتماعی از ضربات سنگین برخاسته از عدم توجه به این شاخص مهم است. به طوری که امروزه تلاش برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان جهانی جهت تجدید متدها و روش‌ها و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در مقابله با تنش‌ها و بحران‌ها کاملاً آشکار و قابل بررسی و سنجش است (Andersen, 1999 & Scharpf,)

2000). در این زمینه آشنایی با دیدگاه قرآن به عنوان قانون اساسی و منبع اصلی دین مبین اسلام در چگونگی برخورد با تنش‌ها و بحران‌های انسانی، بسیار مهم و حیاتی به نظر می‌رسد. در جهان معاصر بدون شک نظریه‌های قرآنی در حوزه علوم اجتماعی و به تبع آن شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی از دیدگاه قرآن قابل بررسی و سنجش می‌باشد. اهمیت این موضوع زمانی مضاعف می‌شود که پس از تدقیق و مطالعه و پژوهش در مفاهیم قرآنی، به این نتیجه می‌رسیم که این کتاب آسمانی که بیش از ۱۴۰۰ سال پیش نازل شده، نظریه‌های میدانی و عملی برای کنترل و مواجهه با تنش‌ها و بحران‌های مختلف ارائه نموده است (Alsrouji, 2014:128).

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

تک نگاشتی در قالب کتاب با عنوان تاب‌آوری اجتماعی یافت نشد. در میان مقالات نیز مقاله «تبیین و بررسی مفهوم تاب‌آوری اجتماعی و ارزیابی تحلیلی شاخص‌های اندازه‌گیری آن» (Sam Aram & others, 2017). تنها مقاله‌ی مستقل در این مفهوم بود اما کتاب یا مقاله‌ای مستقل در مفهوم تاب‌آوری در معنای اجتماعی آن در حوزه مطالعات قرآنی یافت نشد. شاید بتوان گفت نخستین بار در تفاسیر معاصر با گرایش اجتماعی مفاهیم مرتبط با توسعه‌ی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته که در این بین شاخص تاب‌آوری نیز به شکل غیر مستقیم مورد توجه و التفات آن قرار گرفته است. از مهم‌ترین تفاسیر با گرایش اجتماعی می‌توان از: تفسیر المراغی (احمد مصطفی المراغی)، تفسیر فی ظلال القرآن (سید قطب)، تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج (وهبه زحیلی)، تفسیر ابن بادیس فی مجالس التذکیر من کلام الحکیم الخبیر (عبد الحمید بن بادیس)، تفسیر القرآن‌الکریم (محمود شلتوت) و التفسیر القرآنی للقرآن (عبدالکریم خطیب) در بین تفاسیر اهل سنت و تفاسیر المیزان (علامه طباطبایی)، تفسیر من وحی القرآن (سید محمدحسین فضل‌الله)، الکاشف (محمدجواد مغنیه)، پرتوی از قرآن (محمود طالقانی)، تفسیر نوین (محمدتقی شریعتی)، تفسیر نور (محسن قرائتی) و تفسیر نمونه (ناصر مکارم شیرازی)، در میان تفاسیر شیعی نام برد. در این تفاسیر مباحث مبسوطی در حوزه‌ی مباحث اجتماعی به شکل عام مطرح گردیده که "تاب‌آوری" یا مفاهیم مرتبط و نزدیک به آن نیز مورد التفات مفسران قرار گرفته است.

ب) تحقیقات خارجی

در مطالعات صورت گرفته خارجی، شاخص‌های متعددی برای توسعه‌ی اجتماعی و مفهوم آن به کار برده شده است. به‌طور کلی می‌توان تعاریف ارائه شده از توسعه‌ی اجتماعی را به دو دسته‌ی کلی تعاریف خاص و تعاریف عام تقسیم کرد. در تعاریف خاص از توسعه‌ی اجتماعی، تعریف بیشتر بر یک یا چند بعد مختصر تأکید کرده و اهمیت آن بعد و یا ابعاد در فرایند توسعه‌ی اجتماعی را برجسته ساخته است. اما در تعاریف عام، توسعه‌ی اجتماعی به مثابه یک کلیت در نظر گرفته شده است که دارای ابعاد مختلفی بوده و برای سنجش این مفهوم نیازمند سنجش تمامی ابعاد زیر مجموعه آن هستیم. هاریسون و هانتینگتون^۱ آرچر^۲، بورچی^۳، فائو^۴، موریس^۵، بیردسال^۶، گایسو^۷، گائو^۸ از جمله اشخاصی هستند که در این زمینه‌ی تئوری‌ها و نظریه‌های خاصی را مطرح کردند. همچنین این مقوله، در سایر مراکز علمی نیز مورد استقبال قرار گرفته و کتب و مقالات متعددی در این حوزه منتشر شده است. مانند: کتاب «سازگاری نهادها: تاب‌آوری اجتماعی حکومت‌ها و سازمان‌ها»، مقاله «چارچوب تاب‌آوری P.E.O.P.L.E.S: رویکردی مفهومی برای تعیین کمیت تاب‌آوری جامعه»، مقاله‌ی «احیاء و پیشرفت دولت‌های رفاهی در اقتصاد بین‌المللی: شناخت آسیب‌ها»، مقاله‌ی «تاب‌آوری: تغییرات سیاست‌های رفاهی در استرالیا، دانمارک، نیوزلند و سوئیس» و ... اما آنچه قابل ذکر است اینکه تاکنون تحقیق و پژوهشی همچون عنوان مطرح شده آن‌هم با جنبه‌ی توسعه‌ی اجتماعی از دیدگاه قرآن انجام نگرفته و بررسی پژوهش‌های انجام شده در دسترس در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی به بررسی شاخص‌های توسعه از دیدگاه قرآن و نظریات توسعه انجام نشده است.

¹ Harrison and Huntington

² Archer

³ Burchi

⁴ FAO

⁵ Morris

⁶ Birdsall

⁷ Guiso

⁸ Guo

روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که اصطلاح توسعه‌ی اجتماعی و مفهوم آن از مفاهیم عصری و حاصل از نظریات توسعه‌ی همه‌جانبه در علوم انسانی با پایه‌ی متدولوژی تجربی بوده و اصطلاحی جدید است که با این عنوان و عناوین مشابه در قرآن نیامده است و هم از آنجا که سعادت، رشد و پیشرفت بشر در جهت اهداف و غایت خلقت، موضوع هدایت‌های قرآنی است لذا به نظر می‌رسد برای نیل به افکار، اندیشه‌ها و راهبردهای قرآنی در این زمینه، می‌بایست ماحصل اندیشه بشری در علوم مرتبط را به نحوی بر قرآن عرضه داشت که دیدگاه قرآن در این زمینه از مجموعه مفاهیم، راهبردها، اندیشه‌ها و حکمت‌های قرآنی به شکل مجموع حاصل گردد در این راه با پژوهشی میان رشته‌ای و از نوع تفسیر موضوعی با موضوع و مسأله‌ای برون قرآنی روبرو هستیم که با کاربست روش مذکور، زمینه برای نیل به نظریه واحد قرآنی در موضوع توسعه‌ی اجتماعی قابل حصول می‌گردد.

توسعه‌ی اجتماعی

توسعه‌ی اجتماعی از جمله مباحث بین رشته‌ای شمرده می‌شود. زیرا علوم مختلف نظیر اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی در مورد آن به بحث می‌پردازند و هر کدام به نوعی در شکل‌گیری آن نقش دارند. در واقع توسعه کوششی است به منظور نیل به تعادلی که تاکنون تحقق نیافته است و یا راه‌حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود داشته و تجدید حیات می‌یابد (Rocher, 1997:185). به عبارت دیگر توسعه‌ی اجتماعی از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه‌ی زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت می‌باشد به این مناسبت است که گفته شده: «منظور از توسعه‌ی اجتماعی اشکال متفاوت کنش متقابلی است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد» (Tavassoli, 1994:438). پس توسعه‌ی اجتماعی در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر در الگوهای زاید رفتاری، شناختن و روی آوردن به نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب‌تری است که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی باشد. ملاحظه می‌شود که توسعه‌ی اجتماعی در قیاس با مفاهیمی چون توسعه‌ی اقتصادی حوزه‌ی وسیع‌تری را در بر می‌گیرد. مطابق با ادبیات

علوم اجتماعی اولیه، توسعه‌ی اجتماعی تقریباً مترادف تکامل اجتماعی به کار می‌رود. مراحل تکامل جامعه‌ی بشری که اغلب اوقات در یک چشم‌انداز جامعه‌شناختی کلان تعیین می‌شود نمودی از توسعه‌ی اجتماعی به شمار می‌آید. بسیاری از تکامل‌گرایان به نوعی کلیت و جهان‌شمولی و اجتناب‌ناپذیری در این توالی‌های تکاملی اعتقاد دارند. در بحث‌های جدیدتر، مفهوم توسعه‌ی اجتماعی از فرضیه‌ی تکاملی جدا شده و روی موضوعات مربوط به تأمین نیازهای بشر و ارتقاء کیفیت زندگی تمرکز کرده است. حال اگر توسعه‌ی اجتماعی به معنای گسترده‌ی آن مورد نظر باشد دقیقاً معادل توسعه‌ی همه‌جانبه خواهد بود ولی اگر جایگاه توسعه‌ی اجتماعی در مقابل توسعه‌ی سیاسی، اقتصادی و غیره در نظر باشد، باید توسعه‌ی اجتماعی را در چگونگی شخصیت فردی، خانوادگی و وجود نهادهای اجتماعی مناسب و تأثیرگذار نظیر آموزش و پرورش، آموزش عالی، تأمین اجتماعی و ... جستجو کرد. در این معنا، برای تحقق توسعه‌ی اجتماعی باید شاخص‌های زندگی و رفاه اجتماعی بهبود پیدا کند. با وجود آن که در سند کینهاگ به میزان زیادی حدود و ثغور مفهوم توسعه‌ی اجتماعی مشخص شده است؛ در میان اندیشمندان و محققان مختلف، اجماعی بر سر تعریفی مشخص از این مفهوم وجود ندارد. علت این امر را می‌توان در دو عامل عمده یافت. نخست: ماهیت مفهوم توسعه و مبهم و پیچیده بودن آن، که این خصیصه در ارتباط با توسعه‌ی اجتماعی به دلیل ارزشی و هنجاری بودن آن، به مراتب حادث‌تر شده است؛ و دیگری نوظهور بودن این مفهوم در پژوهش‌های جهانی (Piran, 2003). بنابراین به‌طور کلی می‌توان تعاریف ارائه شده از توسعه‌ی اجتماعی را به دو دسته‌ی کلی تعاریف خاص و تعاریف عام تقسیم کرد. در تعاریف خاص از توسعه‌ی اجتماعی؛ تعریف بیشتر بر یک یا چند بعد مختصر تأکید کرده و اهمیت آن بعد و یا ابعاد در فرایند توسعه‌ی اجتماعی را برجسته ساخته است. به عنوان مثال، استس^۱ معتقد است که مفهوم توسعه‌ی اجتماعی بستگی به مقوله آزادی و اقتصاد دارد و معتقد است توسعه‌ی اجتماعی حوزه‌ای میان رشته‌ای و میان‌بخشی است که در جستجوی بهبود "رفاه مادی و اجتماعی" مردم در همه‌ی سطوح جامعه است (Stace, 2001). همچنین سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی فعال در حوزه‌ی توسعه نیز تعاریف خاص خود را از این مفهوم ارائه کرده که بر مبنای این تعاریف، گزارش‌های سالیانه‌ی خود را تنظیم می‌کنند. در این زمینه بانک جهانی در تعریف توسعه‌ی اجتماعی بر دگرگونی ساختاری در زمینه افزایش انسجام اجتماعی و پاسخگو کردن کارگزاران و سازمان‌های صاحب قدرت تأکید کرده است

¹ Richard J. Estes

(WBG, 2002). اما تعاریف عام توسعه‌ی اجتماعی، به مثابه یک کلیت در نظر گرفته شده است که دارای ابعاد مختلفی بوده و برای سنجش این مفهوم نیازمند سنجش تمامی ابعاد زیر مجموعه آن هستیم. گری جاکبز^۱ و هارلن کلوند^۲ در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد نظریه‌ی توسعه‌ی اجتماعی» با اتخاذ رویکردی عام این تعریف از توسعه‌ی اجتماعی را ارائه کرده‌اند: «توسعه‌ی اجتماعی فرایندی است که فعالیت‌ها و انرژی‌های بشر را در سطوح بالا برای رسیدن به نتایج بهتر سازماندهی و از توان او استفاده می‌کند».

شاخص‌های توسعه در علوم اجتماعی

به لحاظ تاریخی، اولین سند مهم سازمان ملل متحد درباب توسعه‌ی اجتماعی مربوط به گزارش سال ۱۹۵۴ است. گروهی از کارشناسان درباره‌ی تعریف بین‌المللی و سنجش معیارها و سطوح توسعه‌ی اجتماعی، که در آن زمان سطوح زندگی نام‌گذاری شده بود، گزارش مفصلی را تهیه کرده بودند. شاخص‌های این گزارش عبارت بودند از: بهداشت (شامل شرایط جمعیت‌شناختی)؛ غذا و تغذیه؛ آموزش و پرورش (شامل مواد و مهارت‌آموزی)؛ شرایط کار؛ وضعیت اشتغال؛ مصرف کل پس‌اندازها؛ حمل و نقل؛ مسکن (شامل تسهیلات خانگی)؛ پوشاک؛ تفریح و استراحت؛ امنیت اجتماعی؛ آزاد‌های بشری (Zahedi, 2007:257). به‌طور خاص در حوزه‌ی توسعه‌ی اجتماعی، در دهه‌ی اخیر تلاش‌های وسیعی برای تعیین شاخصی مستقل صورت پذیرفته است. از جمله مهم‌ترین این تلاش‌ها می‌توان به گزارش توسعه‌ی اجتماعی در سال ۲۰۰۶^۳ در کشور هند اشاره کرد. در این گزارش با در نظر گرفتن شش بعد اصلی توسعه‌ی اجتماعی، سعی شده تا یک شاخص مرکب از این سازه‌ی مفهومی ایجاد گردد. شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی^۴ در این گزارش عبارتند از: شاخص‌های دموگرافیک^۵ (میزان شیوع پیشگیری از بارداری^۶، میزان کلی زاد و ولد^۷، و نیز میزان مرگ و میر نوزادان^۸)؛ شاخص‌های سلامت^۹ (درصد موالید

^۱ Garry Jacobs

^۲ Harlan Cleveland

^۳ Social Development Report

^۴ SDI: Social Development Index

^۵ Demographic Parameters

^۶ CPR: Contraceptive Prevalence Rate

^۷ TFR: Total Fertility Rate

^۸ IMR: Infant Mortality Rate

^۹ Health Indicators

رسمی^۱، و درصد کودکان دچار سوء تغذیه^۲؛ شاخص‌های امکانات اساسی^۳ (درصد خانوارهایی که مسکن دائمی دارند، درصد خانوارهایی که به آب قابل شرب دسترسی دارند، درصد خانوارهایی که از امکانات بهداشتی برخوردارند)؛ شاخص‌های پیشرفت تحصیلی^۴ (میزان سواد، نسبت دانش‌آموز به معلم، و میزان حضور در مدرسه)؛ شاخص‌های شاخص‌های محرومیت اقتصادی^۵ (میزان بیکاری، نسبت جینی برای هزینه‌ی مصرفی سرانه)؛ همچنین بر اساس گزارش‌های سالانه مؤسسه‌ی معتبر لگاتیم^۶ و ترکیب آن با داده‌های نظرسنجی جهانی گالوپ^۷؛ هشتاد و نه متغیر که زیر مجموعه هشت خرده شاخص اقتصاد، کارآفرینی و فرصت، حکمرانی، آموزش، سلامت، ایمنی و امنیت، آزادی فردی و سرمایه‌ی اجتماعی مورد سنجش قرار می‌گیرند. مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی^۸ نیز به‌عنوان یکی دیگر از مؤسسات و نهادهایی که تخصص کاری‌اش در حوزه‌ی توسعه‌ی اجتماعی است، هر پنج سال گزارشی را با عنوان شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی ارائه می‌کند و داده‌های آن را در دسترس عموم قرار می‌دهد. در این گزارش‌ها، توسعه‌ی اجتماعی در قالب شش شاخص زیر مورد سنجش قرار گرفته است: فعالیت مدنی؛ باشگاه‌ها و انجمن‌ها، انسجام درون گروهی، اعتماد و امنیت میان شخصی، برابری جنسیتی و ادغام اقلیت‌ها.

تعریف مفهوم تاب‌آوری اجتماعی

از میان مفاهیم معرفی شده در حوزه‌ی مقاوم‌سازی کلیدواژه تاب‌آوری (*Resilience*) پرکاربردتر و از اهمیت بیشتری برخوردار است و در فرهنگ لغات، توانایی بازیابی یا بهبود سریع، تغییر؛ شناوری و کشسانی و همچنین خاصیت فنری و ارتجاعی ترجمه شده است که البته این واژه‌ها، رسایی و گویایی لازم را برای انتقال مفهوم این واژه ندارند. به همین دلیل، ترجمه‌ی تاب‌آوری به‌عنوان معادل فارسی این واژه، اصطلاح بهتر و مناسب‌تری است (Rezaei, 2010:21). ریشه‌ی واژه‌ی تاب‌آوری در لاتین "*resilio*" به

¹ Percentage Of Institutionnal Delivery

² Percentage Of Undernourished Children

³ Basic Amenities Indicators

⁴ Educational Attainment Indicator

⁵ Economic Deprivation Indicator

⁶ Legatum

⁷ Gallup World Poll

⁸ ISS: International Institute Of Social Studies

معنای «بازگشت به گذشته» می‌باشد (Palekiene & et. al., 2015:180). در ابتدا در علم اکولوژی و بین رشته‌ای برای نزدیک به ۴۰ سال به کار رفت (Cumming, 2011: 900). بعد تاب‌آوری اجتماعی تأکید بر تحقق «پایداری اجتماعی» در برابر سوانح، از یک سو بر شکل‌گیری و حفظ گروه‌های اجتماعی و جوامع محلی و از سوی دیگر، در فرآیند بازتوانی بعد از سوانح از طریق ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی است و به ارتقای حس «دلبستگی به مکان»، حس جامعه‌ی محلی، افزایش مشارکت ساکنین در امر بازسازی و شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی کمک می‌کند و امر بازتوانی و بازسازی جامعه‌ی محلی - با حفظ نظام‌های اجتماعی موجود - را در زمان سانحه و نیز در یک جامعه‌ی محلی بعد از سانحه تسهیل می‌کند.

تلاش برای تاب‌آوری اجتماعی می‌تواند با ارتقای سطح زندگی از طریق افزایش میزان درآمد، تحصیلات، مراقبت‌های پزشکی، سلامت، تأمین سکونت، اشتغال، حقوق قانونی، ایمنی در برابر جرم و جنایت، وجود اخلاقیات در جامعه‌ی محلی، تراکم جمعیتی مطلوب و مقاومت بناها در برابر مخاطرات و سوانح و بیماری‌ها، کیفیت زندگی یا قابلیت زندگی در جوامع محلی را افزایش دهد. حفظ ارزش‌ها، میراث فرهنگی - محلی، هویت شهری، خاطره جمعی شهر و آموزش نیز سایر مؤلفه‌های کیفیت زندگی هستند که حفظ حس تعلق مردم به مکان و بازگرداندن روح زندگی را منجر می‌شوند (Lack, 2013:94). Colburn تاب‌آوری اجتماعی را به بخش قابل تغییر سیستم‌های اجتماعی مانند تطبیق‌پذیری و تغییرپذیری مربوط دانسته و دو شاخصه برای آن تعیین نموده است: سرمایه‌ی اجتماعی و ظرفیت تطبیق‌پذیری. سرمایه‌ی اجتماعی مربوط به کیفیت روابط بین اعضای جامعه است. مزایای سرمایه‌ی اجتماعی هنگام روبرو شدن برای مصیبت، جنگ و سایر تغییرات ظاهر می‌شوند. در تعریفی دیگر، سرمایه‌ی اجتماعی مربوط به سهمی است که اعتماد، هنجارها و شبکه‌ی اجتماعی می‌توانند در حل مشکلات رایج جامعه داشته باشند (Piran & others, 2017:90). در جمع‌بندی مفاهیم تاب‌آوری اجتماعی می‌توان تاب‌آوری اجتماعی را در یک نگاه کلی توانایی مردم در گروه‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی در مواجهه با بحران در شرایط اضطراری و زمان بازسازی با استفاده از منابع فردی و جمعی و به اشتراک گذاشتن آموزه‌های آن دانست. تاب‌آوری اجتماعی نشان‌دهنده‌ی یک تغییر پارادایم در ذهنیت مردم در برابر مشکلات خود، درک افراد دیگر و در نتیجه آن، نیاز به یک دیدگاه تازه در تعیین مداخلات در برابر مشکلات می‌باشد و دارای سطوح مختلف فردی و اجتماعی می‌باشد (Ebadzadeh & others, 2015:13).

مداقه در تعریف فوق و انطباق مفاهیم و واژگان آن با شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی اعلام شده از سوی بسیاری از جامعه‌شناسان، مراکز، سازمان‌ها و معاهده‌های بین‌المللی متوجه می‌شویم که تاب‌آوری (در معانی مختلف آن) به‌عنوان شاخصی مهم از شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی به‌شمار می‌رود.

مفهوم توسعه اجتماعی در قرآن کریم

اسلام مکتبی اجتماعی است و ظرف پیشرفت و توسعه‌ی مادی و معنوی انسان را پیشرفت اجتماعی می‌داند. به‌عبارت دیگر با کنکاشی در قرآن به‌عنوان منبع اصلی تشریح اسلام در می‌یابیم که بالاترین قدرت، قدرت جامعه است و پیشرفت سیاسی، اقتصادی، امنیتی، دفاعی و ... در سایه‌ی پیشرفت انسان در ساحت اجتماعی به دست می‌آیند. لذا قرآن ابتدا تشکیل اجتماع را فرض می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ*؛ ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خدا ترس باشید باشد که پیروز و رستگار گردید (*Al-Imran, 200*). صاحب تفسیرالمیزان در ذیل این آیه به جایگاه اجتماع در اسلام می‌پردازد: «هیچ شکی نیست در اینکه اسلام تنها دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده و این معنا را به صراحت اعلام کرده و در هیچ شأنی از شئون بشری مسأله‌ی اجتماع را مهمل نگذاشته است» (*Tabatabai, 1995:201*). از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پی‌ریزی شده است. در سوره‌ی حجرات می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله أتقیکم: ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را باز شناسید (نه اینکه به این وسیله بر یکدیگر تفاخر کنید)، همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند متقی‌ترین شماست. در این آیه ضمن یک دستور اخلاقی، به فلسفه‌ی اجتماعی آفرینش خاص انسان اشاره می‌کند به این بیان که انسان به گونه‌ای آفریده شده که به صورت گروه‌های مختلف ملی و قبیله‌ای درآمده است، با انتساب به ملیت‌ها و قبیله‌ها بازشناسی یکدیگر که شرط لاینفک زندگی اجتماعی است صورت می‌گیرد، یعنی اگر این انتساب‌ها که از جهتی وجه اشتراک افراد و از جهتی وجه افتراق افراد است نبود، بازشناسی ناممکن بود و در نتیجه زندگی اجتماعی که براساس روابط انسان‌ها با یکدیگر است امکان‌پذیر نبود (*Motahhari, 1995:26*).

نگره‌ای در اسلام به شکل عام و قرآن به شکل خاص وجود دارد که اهمیت ویژه‌ای به منظومه اجتماعی با همی کارکردها، کارویژه‌ها، عناصر، ساختارها و توسعه‌اش می‌دهد. در واقع خاستگاه و آیشخور این اهمیت آنجاست که جامعه، جولانگاه نظام‌های قرآنی و میدان راستین پیاده‌سازی و بکارگیری نظریات و تصورات آنهاست. قرآن ساختارهای بنیادینی را در جامعه اسلامی پایه‌گذاری کرده و بر آن شد که این ساختارها و سازه‌ها را که در مسیر طبیعی، به توسعه و پیشرفت جامعه می‌انجامد، فریه و تقویت کرده آن ساختارها را ارتقاء بخشد. بنابراین قرآن جامعه را مجموعه‌ای از افرادی قلمداد کرده که نظام‌ها، سیستم‌ها، آداب و رسوم، ارزش‌ها و قوانین معین آن‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد (Al Kamali, 2018:379).

تاب‌آوری به مثابه شاخص توسعه اجتماعی در قرآن کریم

با توجه به اینکه شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی بر اساس تعاریف اقامه شده برای مفهوم توسعه و بر مبنای دیدگاه‌های مختلف و همچنین سازمان‌ها و موسساتی که ارائه‌ی گزارش‌هایی جهانی از توسعه‌ی اجتماعی را برعهده دارد متفاوت است اما قدر متیقن وجوه اشتراک عدیده‌ای میان آنها قابل شناسایی است و از آنجا که دامنه‌ی مفهوم و به تبع آن شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی در قرآن گسترده‌تر است لذا رهیافت‌های قرآنی شاخص‌های مذکور را پوشش داده گر چه برخی را برجسته‌تر و دارای تأکید بیشتری معرفی می‌نماید. در بررسی‌های اولیه شاخص‌هایی همچون: مشارکت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، انفاق در همه‌ی ابعاد آن، روح کار جمعی، نظارت عمومی (دو نهاد امر به معروف و نهی از منکر)، رواداری و امثال آنها در قرآن کریم به شکل برجسته‌تری مورد تأکید است. یکی از این شاخص‌ها که به‌صورت ویژه و برجسته در قرآن مورد بحث و تبیین قرار گرفته، شاخص «تاب‌آوری» است. در واقع این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا مفهوم شاخص تاب‌آوری در علوم اجتماعی با قرآن و مفاهیم قرآنی تطبیق دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا مفهوم تاب‌آوری که امروزه در علوم اجتماعی وجود دارد همان مفهومی از تاب‌آوری موجود در قرآن است یا خیر؟

معناشناسی تاب‌آوری در قرآن

مطالعه‌ی معناشناختی مفردات قرآن که به نحو هوشمندانه و حکیمانه‌ای در آیات و سور جای گرفته‌اند، دستیابی به شبکه‌ای منسجم از معانی و مفاهیم عمیق این کتاب

آسمانی را تسهیل می‌نماید. در بین مفردات قرآن، تعدادی از واژگان در ظاهر مترادف و هم‌معنا می‌باشند، حال آنکه با تدقیق معنایی واژگان، تفاوت‌های ظریف بین کلمات ظاهر می‌گردند (Niazi & others, 2019). یکی از این مفردات، تاب‌آوری است. در واقع در قرآن یک سری مفاهیم و مصطلحاتی وجود دارند که می‌توانند به‌عنوان مؤلفه‌های مفهوم کلی تاب‌آوری در قرآن مورد شناسایی شوند به‌عبارت دیگر در قرآن واژگان و مصطلحاتی وجود دارند که می‌توانند مؤلفه‌های مفهوم تاب‌آوری باشند. واژگانی که گاهاً به‌طور صریح و شفاف سخن از تاب‌آوری به میان می‌آورند همچون: صبر، رص، ثبات، سکن، نظر، طأمن، استقامت و ... و نیز مفرداتی که گاهاً از معنای عکس آنها به دلالت شاخص تاب‌آوری می‌رسیم؛ واژگانی همچون: جزع، عجل، سبق، ذب، قسی، فزع و ...

هر یک از این مفاهیم از آن جهت که تشکیل‌دهنده‌ی مفهوم وسیع‌تر یعنی تاب‌آوری هستند به‌عنوان زیرمجموعه آن بوده و در راه شکل‌دهی به مفهوم تاب‌آوری در قرآن و شناسایی آن به‌عنوان یک شاخص از توسعه‌ی اجتماعی مهم می‌باشد. بر اساس بررسی‌هایی که در قرآن انجام دادیم بیشتر این واژگان در دو وضعیت مورد استعمال و کاربرد قرار گرفتند:

الف) در نزول تدریجی قرآن که یکی از مقاصد تدریجی بودن آن ارتقاء و تحول و ساخت جامعه بوده است. قدر مسلم قرآن در ۲۳ سال نزول، در سیر حوادث و رخدادها مفردات و واژگان مرتبط با تاب‌آوری را به نحوی به کار برده است که جامعه‌ای را که در یک صحرای بی‌آب و علف و خشک قرار گرفته و از طرفی در محاصره‌ی تمدن‌های بزرگی مثل ایران و روم بود را به جایی رساند که فراتر از ظرفیت‌های اولیه‌ی خویش توانست در مقابل همه‌ی هجمات و بحران‌ها تاب‌آوری کرده به‌طوری که حتی خلل و بحران در مدیریت کلی جامعه بعد از عصر نبوی به فروپاشی این جامعه و تمدن منجر نشد. این همان نکته‌ای است که مستشرقان بیش از خود مسلمانان به آن اذعان داشته‌اند: «اگر بزرگی را به میزان اثر مرد بزرگ در مردمان بسنجیم باید بگوییم محمد [صلی الله علیه و آله] از بزرگ‌ترین مشاهیر تاریخ است. وی در صدد بود قومی را که در توحش بودند به سوی معنویت سوق دهد که موفق شد و از این لحاظ بر تمام مصلحان دیگر رجحان داشت» (Durant, 2017).

ب) اینکه قرآن در قالب قصص، امثال، حکم و گزارش‌ها و رخداد‌های تاریخی از انبیاء و ائمه به تبیین و درونی‌سازی این مفهوم در جامعه‌ی اسلامی پرداخته است.

مفاهیم و گزاره‌های ناظر به تاب‌آوری در قرآن

الف) صبر

واژه‌ی صبر به همراه مشتقات آن جمعاً ۱۰۳ بار در قرآن به کار رفته است. *(Hawzah.net)*. صبر در لغت به معنای حبس و باز داشتن است. هر گاه کسی خویشتن را از فعلی اختیاری باز دارد صبر کرده است. علمای علم اخلاق هر کدام معنا و تعریفی از صبر بیان داشته‌اند. صبر را در معنای عام آن می‌توان این‌گونه تعریف کرد: باز داشتن خود از عملی که مانع رسیدن به هدف و یا موجب تأخیر در رسیدن به هدف می‌شود. گستره‌ی معنایی صبر نزد علمای اخلاق، صبر بر اطاعت؛ یعنی شکیبایی در برابر مشکلاتی که در راه اطاعت وجود دارد و صبر بر معصیت؛ یعنی ایستادگی در برابر انگیزه‌های نیرومند و محرک گناه، صبر بر مصیبت و بلا؛ یعنی پایداری در برابر حوادث تلخ و ناگوار و عدم برخورد انفعالی و ترک جزع و فزع (*Naraghi, 1998*) را شامل می‌شود (*Javadi Amoli, 2008*). در تعداد زیادی از آیات قرآن صبر و مشتقات آن آمده است که برای بیان نکات مختلف در مورد این واژه می‌باشد که در اینجا تعدادی از این آیات را می‌آوریم:

به‌عنوان نمونه قرآن می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ *(Al-Baqarah, 154)*؛ قطعاً شما را به چیزی از [اقبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را». اگر تاب‌آوری در علوم اجتماعی به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌ی تحت عنوان مقاومت‌سازی شناخته می‌شود و جامعه‌ای توسعه‌یافته معرفی می‌گردد که در مقابل حوادث، بلایای طبیعی، تکانه‌های اقتصادی و امور غیر مترقبه مقاوم باشد، قرآن نیز با برشمردن برخی از این حوادث مانند: ترس، گرسنگی، تکانه‌های اقتصادی، خسارات جانی و خسارات مادی، انسان را به صبر و شکیبایی (تاب‌آوری و مقاومت) فراخوانده و مقاومت را مورد بشارت خویش قرار داده است. این مقاومت و تاب‌آوری مبنای ایمانی دارد و گزاره‌ی «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ *(Al-Baqara: 156)*؛ ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم». پشتوانه‌ی فکری و ایمانی این شاخص است. همچنین در آیه‌ی دیگری می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ *(Al-Imran: 200)*؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها، استقامت کنید؛ و در برابر دشمنان، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید». طباطبایی در ذیل این آیه می‌گوید: «امرهایی که در این آیه آمده

یعنی (اصبروا) و (صابروا) و (رابطوا) و (اتقوا) همه‌ی مطلق و بدون قید است، در نتیجه صبرش، هم شامل صبر بر شدائد می‌شود و هم شامل صبر در اطاعت خدا، و همچنین صبر بر ترک معصیت و به هر حال منظور از آن صبر تک تک افراد است، چون دنبالش همین صبر را به صیغه (مفاعله - صابروا) آورده که در مواردی استعمال می‌شود که ماده فعل بین دو طرف تحقق می‌یابد. (مصابره) عبارت است از اینکه جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر هست دست به دست هم دهد و تأثیر صبر بیشتر گردد و این معنا امری است که هم در فرد - اگر نسبت به حال شخصی او در نظر گرفته شود - محسوس است و هم در اجتماع - اگر نسبت به حال اجتماع و تعاون او در نظر گرفته شود - چون باعث می‌شود که تک تک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و همه‌ی نیروها یکی شود. در (وَ رَابَطُوا) مرابطه از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره عبارت بود از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شدائد و مرابطه عبارت است از همین وصل کردن نیروها، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شدائد، بلکه همه‌ی نیروها و کارها، در جمیع شؤون زندگی، چه در حال شدت و چه در حال رخا و خوشی و چون مراد از مرابطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد - و اگر مرابطه نباشد گو اینکه صبر من و تو، به تنهایی و علم من و تو به تنهایی، و هر فضیلت دیگر افراد، به تنهایی سعادت‌آور هست، ولی بعضی از سعادت را تأمین می‌کند و بعضی از سعادت، سعادت حقیقی نیست - به همین جهت دنبال سه جمله: « اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابَطُوا » اضافه کرد: " وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ "، که البته منظور از این فلاح هم فلاح تام حقیقی است (Tabatabai, 1995:225). صبر در زندگی انسان کارکردهای گوناگونی دارد از جمله: انسان را در مقابله با تنیدگی‌ها یاری می‌دهد (Ash-Shura:43)، روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند (Fussilat:35-36)، در برخورد با هیجانات و احساسات درونی توانمندتر می‌سازد و در زمینه‌ی دین‌داری انسان را یاری می‌دهد (Al-'Imran:120) و ...

ب) استقامت

این واژه از ریشه «قَوَمَ» است و برای آن معانی مختلفی مانند اعتدال (Altoraei, F. 1989: 566; Aljohari, A., 2017; Azzobeidi, M. 2010:592)، ثبات و مداومت (Toosi, 2000:125)، استمرار (Alhelali, A., 1985:51)، پایداری، ایستادن، درست شدن و قیمت نهادن (Alfarahidi, Kh, 2011:694) ...

را بازگو کرده‌اند و معنای اعتدال شهرت بیشتری دارد (M., 1999:2181; *Aljohari, Mostafa, E. & others, 2004:768; Firoozabadi, M., 1997:1517*)
 (2017). برخی گفته‌اند: استقامت همان اقامه است؛ ولی اضافه شدن دو حرف «س» و «ت» معنای آن را تأکید می‌کند (Altoraei, F., 1989:256). در معنایی جامع می‌توان گفت نظر به این که اصل واحد در این ماده، مفهومی است در برابر قعود و معنای اصلی آن به پاداشتن و فعلیت عمل است، استقامت با توجه به معنای طلبی باب استفعال به معنای طلب قیام است و استمرار و استدامت و مانند آن از لوازم معنای اصلی به‌شمار می‌آید (Tabatabai, M., 1995:47-48; Mostavafi, H., 2015:341).
 قرآنی آن اصطلاحی برای پایداری در دین و مسیر حق در برابر کژی‌هاست (BenAshoor, M., 1991:282). واژه‌ی استقامت به صورت مصدری در قرآن نیامده است؛ اما صورت‌های فعلی و اسم فاعلی آن ۴۷ بار به کار رفته است: در ۹ آیه، مشتقات فعلی استقامت ۱۰ بار به صورت‌های «استقم» (Ash-Shūra:15:11; Hūd) «استقیما» (Yūnus:10)، «استقیموا» (Fussilat:6) برای امر به استقامت و به گونه‌ی «مستقیم» (At-Takwīr:28) و «استقاموا» (Al-Ahqāf:46; Fussilat:30; At-Tawbah:7) بیان آثار استقامت، استعمال شده است. در ۳۷ آیه‌ی دیگر نیز واژه «مستقیم» که اسم فاعل مصدر استقامت است کاربرد دارد (Az-Zukhruf:43 و Āl-Imrān:51, Yūnus:36). بیشتر مباحث قرآنی استقامت مربوط به ۹ آیه‌ای است که متضمن مشتقات فعلی استقامت است. در این آیات جز آیه‌ی ۷ سوره‌ی توبه که به موضوع استقامت در عهد و پیمان پرداخته سایر آیات، استقامت را در مورد توحید و سیر به سوی خدا مطرح کرده است. این ویژگی‌های مفهومی و گستردگی ارتباط با مفاهیمی بنیادین چون هدایت و عبودیت، استقامت را در تعالیم قرآن و روایات دینی در جایگاه ویژه‌ای نشانده است، چنان‌که در قرآن دو بار به پیامبر اسلام فرمان به استقامت داده شده است: «فاستقم كما أمرت» (Hūd:112) و در ادامه یکی از این دو خطاب پیروان پیامبر نیز به استقامت مکلف شده‌اند: «فاستقم كما أمرت ومن تاب معك». از موسی و هارون علیهماالسلام نیز استقامت خواسته شده است (Yūnus:89). افزون بر این موارد در قرآن آثاری چند برای استقامت بازگو شده که نشان اهمیت آن است. در روایات دینی هم دعوت به استقامت جایگاه گسترده‌ای دارد (Derayati, M:951; BenBabveih, Gh:404). در بزرگی و دشواری استقامت از پیامبر اسلام روایت شده است که خطاب «فاستقم كما أمرت و من تاب معك» (Hūd:112) آن حضرت را پیر کرده است (Ghortobi, Sh. Tabrasi, F:304).

2011:71). این سخن پیامبر را می‌توان بر اثر دشواری امر استقامت برای پیروان آن حضرت دانست، زیرا در آیه‌ای دیگر (Ash-Shūra: 42) پیامبر به تنهایی دعوت به استقامت شده است و چنین سخنی از آن حضرت روایت نشده است. یک آیه از نه آیه‌ای که مشخصاً به موضوع استقامت پرداخته استقامت را در زمینه عهد و پیمان مطرح کرده است: «فَمَا اسْتَقِمُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» (At-Tawbah:7) و سایر آیات مربوط به استقامت در زمینه‌ی توحید و ایمان به ربوبیت و الوهیت خدا و سیر به سوی او (استقامت در دین) است. در یک آیه از این آیات ذکر بودن قرآن برای کسانی مفید دانسته شده که می‌خواهند اهل استقامت در حق (Tabatabai, M., 1995:220) باشند: «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ * لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ» (At-Takwīr: 27) سایر آیات در یک تقسیم کلی یا فرمان استقامت داده (Ash-Shūra:15؛ Hūd:112؛ Yūnus: 89) یا از آثار استقامت سخن گفته است (Al-Jinn:16؛ Al-Ahqāf:13).

در معنای توسعه‌ی اجتماعی و در شاخصی چون تاب‌آوری، کاربرد استقامت می‌تواند مداومت بر برنامه‌ها، قواعد و مقرراتی باشد که علیرغم سختی و احیاناً ناگواری اما برای مقاوم‌سازی هر چه بیشتر جامعه و افراد آن و نیز رشد و بالندگی آنها ضروری به نظر می‌رسد. در قرآن آثاری چند برای استقامت بازگو شده که بخشی از آن، پاداش اهل استقامت در دنیا و پاره‌ای دیگر پاداش استقامت در آخرت است و از جنبه ترس و اندوه آزادند (Fussilat:30) در دنیا از برکات خداوند بهره‌مند می‌شوند (Al-Jinn:16)، وسعت و فراوانی روزی شامل آنها می‌شود (Tabatabai, M., Tabrasi, F., 2003:38) مشابه این تعبیر کنایی درباره اهل کتاب نیز آمده است (Ali Mavardi, 2001:116؛ Seyouti, J. 1995:305؛ Tabrasi, F., 2003:46) «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنَ الرِّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (Al-Mā'idah:66). برخی نیز «ماءٌ عَذْقًا» را به هدایت (Tabrasi, F., 2003:559) و علم کثیر (Mavardi, 2001:117) تفسیر کرده‌اند. در آخرت هم زندگی جاودانه در بهشت موعودی که همه چیز در آن فراهم است، فرجام نیکوی بندگانی است که بر ربوبیت خداوند استقامت می‌ورزند (Majlesi, M., 2010:29) «وَأَبَشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ... لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ» (Fussilat:30)، «أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ» (Al-Ahqāf:14).

ج) ربص

ربص و تربص به معنای انتظار همراه با استقامت و تاب‌آوری و عدم تعجیل در امور و منتظر فرصت مناسب بودن است (Mostavafi, H. 2015:320). در سوره‌ی طه می‌خوانیم: «قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا (Taha:35)؛ بگو همه در انتظارند پس در انتظار باشید». مکارم شیرازی در ذیل این آیه می‌نویسد: «از آنجا که این سوره در مکه نازل شده و در آن زمان پیامبر و مسلمانان تحت فشار شدیدی از ناحیه‌ی دشمنان قرار داشتند خداوند در پایان این سوره به آنها دل‌داری می‌دهد: گاه می‌گوید: اموال و ثروت‌های آنها که سرمایه‌ی زودگذر این دنیا است و برای آزمایش و امتحان است چشم شما را به خود متوجه نکند و گاه دستور به نماز و استقامت می‌دهد تا نیروی معنوی آنان را در برابر انبوه دشمنان تقویت کنند و سرانجام به مسلمانان بشارت می‌دهد که این گروه اگر ایمان نیاورند سرنوشت شوم و تاریکی دارند که باید در انتظار آن باشند (Makarem, Sh., 2013:346).

د) ثبات

ثبات به معنای دوام یک چیز است (Mostavafi, H., 2015:320) برخی آن را همان استقامت همراه با تداوم و تاب‌آوری می‌دانند و آن را به استقرار و عدم زوال یک چیز در اثر مقاومت و تاب‌آوری معنا کرده‌اند. خداوند در این باره می‌فرماید: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (Ibrāhīm:27)؛ خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار ثابت می‌گرداند و ستمگران را بی‌راه می‌گذارد و خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد». صاحب‌المیزان در این باره می‌فرماید: قول به وحدانیت خدا و استقامت بر آن، قول حقی است که دارای اصلی ثابت است و به همین جهت از هر تغییر و زوال و بطلانی محفوظ می‌ماند.

ه) طاقت‌آوری

آیاتی از قرآن ناظر به میزان محدودیت و طاقت انسان است که بنده موظف است برای مقابله به مشکلات، از خداوند بخواهد و دعا کند که مورد عنایت حق تعالی قرار گیرد «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَيْهَا (At-Talāq:7)؛ لایکلف الله نفساً الا وسعها (Al-Baqarah:286)؛ و علی‌الذین یطیقونه فدیة طعام مسکین (Al-Baqarah:184)؛ والذین

آمنوا معه قالوا لا طاقه لنا اليوم بجالوت و جنوده (Al-Baqarah:249)؛ ربنا و لا تحمّلنا ما لا طاقه لنا به و اعف عنا و اغفر لنا (Al-Baqarah:286).

و) عسر و يسر

یکی از مفاهیم قرآنی که می‌تواند ناظر به ارتقاء تاب و توان آدمی باشد، مفهوم معیت یا همراهی سختی‌ها و آسانی‌ها در دنیا یا رسیدن به آسانی پس از تحمل سختی است که طبعاً امید و انگیزه مقاومت در مقابل سختیها را افزایش می‌دهد «فانّ مع العسر يسراً»؛ انّ مع العسر يسراً (Ash-Sharh:5)؛ سيجعل الله بعد عسر يسراً (At-Talāq:7).

ز) رضا و تسليم

از مهم‌ترین بسترهای افزایش تاب‌آوری در مقابل سختی‌ها مفهوم والای رضا و تسلیم در مقابل خواست الهی است «یا ايتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی (Al-Fajr:27-33)؛ و من یسلم وجهه الی الله و هو محسن فقد استمسک بالعروه الوثقی و الی الله عاقبه الامور (Luqmān:22).

ح) ابتلا و آزمایش

از مفاهیم دیگر قرآنی که در میزان افزایش تاب‌آوری جامعه مؤثر است. توجه به ابتلائات و فلسفه آن است که طبعاً این مفهوم در مقاوم‌سازی انسان جهت تحمل بلايا و مصائب طبیعی بسیار مؤثر است «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون (Al-An:2)؛ و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماماً (Al-Baqarah:124)؛ هنالک ابتلی المؤمنون و زلزلوا زلزالاً شدیداً (Al-Ahzāb:11).

ط) جزا و پاداش

یکی از مفاهیم قرآنی که در افزایش مراتب تاب و تحمل انسان مؤثر است مفهوم جزاء و پاداش در مقابل تکلیف و رنج‌های انجام واجبات و ترک محرّمات است «و نضع الموازین القسط لیوم القیامه فلا تظلم نفس شیئاً (Al-Anbiyā:47)؛ فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره و من یعمل مثقال ذره شرّاً یره (Az-Zalzalah:7-8)».

ک) توکل

توکل به معنای واگذار کردن امور به خداوند و او را وکیل تام-الاختیار دانستن در تمام امور و شئون زندگی، لذا این باور آدمی را در مقابل حوادث و سختی‌ها مقاوم می‌سازد « و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدراً (At-*Talāq*:3)؛ قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون (Az-Zumar:38)؛ قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سوء (Al-Imrān:174)».

ل) استعانت از خداوند

بدیهی است انسان همیشه نیازمند به تکیه‌گاه قدرتمند است و هیچ قدرتی بالاتر از خالق قادر نیست. بنابراین استمداد از عنایات خداوند آدمی را در مواجهه با سختی‌ها مقاوم و میزان طاقت او را بالا می‌برد «بسم الله الرحمن الرحیم»: اکثر مفسرین می‌گویند «باء» در «بسم الله» برای استعانت و کمک گرفتن از خدای متعال است «استعینوا بالله و اصبروا ان الارض یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین (Al-A'rāf:128)».

م) اراده حکیمانه خداوند

شکی نیست خداوند «فعال ما یشاء» است و بنا به حکمت اموری در عالم جاری است که شاید در نگاه بدوی انسان، خوشایند او نباشد. بدیهی است که باور به اراده‌ی الهی در تاب‌آوری انسان بسیار مفید است «و ما تسقط من ورقه الا یعلمها و لا حبه فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین (Al-An'am:59)؛ انما قولنا لشیء اذا اردناه ان نقول له کن فیکون (An-Nahl:40)؛ و ما تشائون الا ان یشاء الله رب العالمین (At-Takwīr:29)».

قلمرو شاخص تاب‌آوری در قرآن کریم**۱. تاب‌آوری فردی**

آیه‌ی ۲۰۰ سوره‌ی آل عمران «یا ائیها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون (Al-A'rāf:200)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید و در برابر دشمنان (نیز) استقامت بخرج دهید و از مرزهای خود، مراقبت بعمل آورید و از خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید. این آیه آخرین آیه‌ی سوره آل عمران و محتوی یک برنامه‌ی جامع چهار ماده‌ای برای عموم مسلمانان است، و به همین

جهت با خطاب "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" آغاز شده است. واژه "اصبروا": نخستین ماده‌ی این برنامه که ضامن سربلندی و پیروزی مسلمین است همان استقامت و صبر و ایستادگی در برابر حوادث است که در حقیقت ریشه‌ی اصلی هر گونه پیروزی مادی و معنوی را تشکیل می‌دهد و هر چه درباره‌ی نقش و اهمیت آن در پیشرفت‌های فردی و اجتماعی گفته شود کم است، این همان چیزی است که امام علی علیه‌السلام در کلمات قصارش آن را به منزله‌ی سر در برابر بدن معرفی کرده: ان الصبر من الايمان كالرأس من الجسد (Nahjolbalagheh: Hekmat:8).

۲. تاب‌آوری اجتماعی

واژه‌ی صابروا از "مصابره" (از باب مفاعله) به معنی صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران است، بنابراین قرآن نخست به افراد با ایمان دستور استقامت می‌دهد (که هر گونه جهاد با نفس و مشکلات زندگی را شامل می‌شود) و در مرحله‌ی دوم دستور به استقامت در برابر دشمن می‌دهد، و این خود می‌رساند که تا ملتی در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف درونی پیروز نشود، پیروزی او بر دشمن ممکن نیست و بیشتر شکست‌های ما در برابر دشمنان بخاطر شکست‌هایی است که در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف خود دامن‌گیر ما شده است. همچنین از این دستور (صابروا) استفاده می‌شود که هر قدر دشمن بر استقامت خود بیفزاید ما نیز باید بر پایداری و استقامت خود بیفزاییم (Makarem, Sh., 2013:234).

۳. تاب‌آوری سیاسی

واژه‌ی "رابطوا": این جمله از ماده "رباط" گرفته شده، و آن در اصل به معنی بستن چیزی در مکانی است (مانند بستن اسب در یک محل) و به همین جهت به کاروانسرا "رباط" می‌گویند و "ربط قلب" به معنی آرامش دل و سکون خاطر است، گویا به محلی بسته شده است و "مربطه" به معنی مراقبت از مرزها آمده است، زیرا سربازان و مرکب‌ها و وسائل جنگی را در آن محل نگاهداری می‌کنند. این جمله به مسلمانان دستور آماده باش در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی می‌دهد، تا هرگز گرفتار حملات غافلگیرانه دشمن نشوند و نیز به آنها دستور آماده باش و مراقبت همیشگی در برابر حملات شیطان و هوس‌های سرکش می‌دهد، تا غافلگیر نگردند و لذا در بعضی از روایات از امام علی علیه‌السلام این جمله، به مواظبت و انتظار نمازها یکی بعد از دیگری

تفسیر شده است، زیرا کسی که با این عبادت مستمر و پی در پی دل و جان خود را بیدار می‌دارد همچون سربازی است که در برابر دشمن حالت آماده باش به خود گرفته است. خلاصه اینکه "مربطه" معنی وسیعی دارد که هرگونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل می‌شود. در فقه اسلامی نیز در باب جهاد بحثی تحت عنوان "مربطه" یعنی آمادگی برای حفظ مرزها در برابر هجوم احتمالی دشمن دیده می‌شود که احکام خاصی برای آن بیان شده است (برای اطلاع بیشتر به کتب فقهی مراجعه شود). در بعضی از روایات به علماء و دانشمندان نیز "مربط" گفته شده است. امام صادق علیه‌السلام طبق روایتی می‌فرماید: «علماء شیعتنا مرابطون فی الثغر الذی یلی ابلیس و عفاریته و یمعنونه عن الخروج علی ضعفاء شیعتنا و عن ان یتسلط علیهم ابلیس: "دانشمندان پیروان ما همانند مرزدارانی هستند که در برابر لشکر ابلیس صف کشیده‌اند و از حمله کردن آنها به افرادی که قدرت دفاع از خود ندارند جلوگیری می‌کنند" (Beharalanwar, 4:253). در ذیل این حدیث مقام و موقعیت آنها برتر و بالاتر از افسران و مرزدارانی که در برابر هجوم دشمنان اسلام پیکار می‌کنند شمرده شده است و این بخاطر آن است که آنها نگهبانان عقائد و فرهنگ اسلام‌اند در حالی که اینها حافظ مرزهای جغرافیایی هستند، مسلماً ملتی که مرزهای عقیده‌ای و فرهنگی او، مورد حملات دشمن قرار گیرد و نتواند بخوبی از آن دفاع کند در مدت کوتاهی از نظر سیاسی و نظامی نیز شکست خواهد خورد (Makarem, Sh. 2013:335).

۴) تاب‌آوری اخلاقی

"وَ اتَّقُوا اللَّهَ"؛ آخرین دستوری که همچون چتری بر همه‌ی دستورهای سابق سایه می‌افکند دستور به پرهیزکاری است و استقامت و مصابره و مربوطه، باید آمیخته با تقوی و پرهیزکاری باشد و از هر گونه خودخواهی و ریاکاری و اغراض شخصی به دور گردد. «لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ» شما در سایه‌ی به کار بستن این چهار دستور، می‌توانید رستگار شوید و با تخلف از آنها راهی به سوی رستگاری نخواهید داشت.

۵) تاب‌آوری در برابر کمبودها

در آیه‌ی «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (Al-Imrān:146)؛ چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید سستی

نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند و خداوند شکیبایان را دوست دارد»
واژه‌ی «ما ضعفوا» دعوت به تاب‌آوری در برابر کمبودها و امکانات از طریق تبدیل ضعف به
قدرت و تهدید به فرصت.

۶- تاب‌آوری در برابر رخوت و لزوم تداوم در کار و تلاش

از عبارت «ما وهنوا» دعوت به تاب‌آوری در برابر مشکلات و لزوم تداوم در کار و
تلاش استنتاج می‌شود.

۷- از عبارت «ما استکانوا» در آیه‌ی فوق به‌طور واضح تاب‌آوری در برابر فشار دشمن
استنتاج می‌شود.

۸- تاب‌آوری جسمی و ایمانی

که این امر از و عبارت «وَلَا تَهِنُوا» در آیه «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ (39: Al-Imrān)؛ سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته
باشید» قابل دریافت است.

۹- همچنین از عبارت «وَلَا تَحْزِنُوا» در آیه‌ی ۳۹ سوره آل‌عمران، تاب‌آوری روانی و
روحي استنتاج می‌شود.

۱۰- تاب‌آوری اقتصادی

اساس آیات قرآنی داشتن اقتصاد تاب‌آور همانند اقتصاد قوام‌بخش، ضروری و لازم
جامعه‌ی اسلامی است. جامعه‌ی اسلامی نه تنها باید دارای اقتصادی سالم و شکوفا و
قوام‌بخش باشد، بلکه باید دارای اقتصادی مقاوم و تاب‌آور در برابر تکانه‌های مختلف باشد
که آن را از دشمنان حفظ کرده و اجازه ندهد تا جامعه در برابر دشمنان خوار شود. قرآن
بر ضرورت اقتصاد تاب‌آور به اشکال گوناگون تأکید کرده است (Karamloo, 2014). از
جمله مهم‌ترین آیاتی که می‌تواند این وجوب و ضرورت را بیان کند، آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی توبه
است. خداوند در این آیه نه تنها نیازمندی اقتصادی جامعه‌ی اسلامی را عامل وابستگی
جامعه و ذلت و خواری آن می‌داند بلکه قطع وابستگی اقتصادی به بیگانگان را مورد تشویق
قرار داده و نسبت به کسانی که نگران اختلال نظام اقتصادی خود پس از قطع رابطه با

مشرکان و دشمنان هستند، چنین امری نه تنها اختلالی بوجود نمی‌آورد بلکه باعث رونق اقتصادی و شکوفایی آن شده و رشد و پیشرفت اقتصاد ملی را سبب خواهد شد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا و ان خفتم عیله فسوف یغنیکم الله من فضله ان شاء ان الله علیم حکیم؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حقیقت این است که مشرکان ناپاکند، پس نباید از سال آینده به مسجدالحرام نزدیک شوند، و اگر (در این قطع رابطه) از فقر بیمناکید، به زودی خدا - اگر بخواهد - شما را با فضل خویش بی‌نیاز می‌گرداند، که خدا، دانای حکیم است (Keihan, 2014). در واقع این آیه به مطلب مهمی اشاره دارد و آن اینکه پیش از آنکه دشمنان شما تهدید به تحریم کنند یا شما را تحریم نمایند شما پیشگام شوید و آنان را تحریم کنید تا با خوداتکایی و توکل به خداوند از فضل الهی بهره‌مند شوید. بی‌گمان خداوند به همه ریز و درشت زندگی شما عالم است و حکیمانه و خردمندانه حکم می‌کند و به شما دستور می‌دهد و این‌گونه، هدف‌های متعالی شما که همان غنای اقتصادی و استقلال است فراهم می‌آید.

نتیجه‌گیری

مفاهیم صبر، استقامت، ربح، ثبات، طاقت‌آوری، عُسْر و یُسْر، رضا و تسلیم، ابتلا و آزمایش، جزا و پاداش، توکل، استعانت از خداوند و ... در قرآن کریم تأمین‌کننده‌ی مفهوم کلی تاب‌آوری در مفهوم علوم اجتماعی به مثابه شاخصی از شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی می‌باشد. زیرا مفاهیم ذکر شده در عین همپوشانی‌هایی، گویی اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی مفهوم تاب‌آوری می‌باشند. نزول تدریجی قرآن در ۲۳ سال و متناسب با حوادث و رویدادهای مختلف برای جهت‌دهی و هدایت جامعه بدوی آن روز به سوی جامعه‌ی قوی، مقاوم و تمدن‌ساز، همراه با آموزه‌ها و مفاهیمی بوده است که جامعه سست و ناباور جاهلی را تبدیل به جامعه‌ی تاب‌آور و مقاوم ساخت. در این میان قرآن برای القاء و درونی‌سازی شاخص مذکور در جامعه تکنیک‌ها و عناصری به کار بسته است که از موضوع این نوشتار خارج است. اما قلمرو تاب‌آوری تمام ساحت‌های حیات اجتماعی را پوشش داده علاوه بر آن متناسب با پهنه‌ی دنیایی زندگی بشر، حیات اخروی و سلوک معنوی انسان را نیز هدف قرار داده است.

References:

- Abdel Fattah, S. (2000). The palatal approach in the shadows of the Qur'an. Amman: Dar Ammar. (Arabic).
- Aghaei, M., R. (2009). Methodology of social interpretation. "Quran and Science", Tehran: Samt. (Persian).
- Al Maraghi, A. (1974). Tafseir Al Maraghi. Beirut: Dar Ehya Al Torath ALarabi. (Arabic).
- Al Moghneyeh, M., J. (2003). Al Kashef Interpretation. Tehran: Dar Al Kotob Al Islamiyeh. (Arabic).
- Al Shaddy, E., A. (2009). Deviating trends in interpretation in the modern era. . Riadh. Madar Al Watan. (Arabic).
- Al-Awsi, A. (1991). Allameh Tabatabai's method in interpreting Al-Mizan, Translated by Seyed Hossein MirJalili, Tehran: Islamic Propaganda Organization Publishing Center. (Arabic).
- Al-Awsi, A. (1997). The Qur'an and Modern Interpretation: A Study of the Modern Perspective on the Qur'an - Its Background and Results. Tehran: Islamic Culture Publishing Center. (Arabic).
- Al-Awsi, A. (1998). Quran Interpretation Quran Encyclopedia and Quranic Studies, By Bahaoddin Khorramshahi, Tehran: Doostan. (Persian).
- Al-Dhahabi, M, H. (1996). Interpretation and commentators. Beirut, Daroalketab. (Arabic).
- Al-Jamal, H. (1993). Trends of contemporary Islamic thought in Egypt in the first half of the fourteenth century AH. Riadh. (Arabic)
- Al-Khouli, A. (1961). Renewal curricula in grammar, rhetoric, exegesis and literature. Cairo: Daroalmarefe. (Arabic).

Al-Sharqawi, M. (1979). Religious thought facing the times: An analytical study of interpretation trends in the modern era. Beirut, Dar Al awdah. (Arabic).

Al-Suyuti, J. (2000). Proficiency in the sciences of the Qur'an. Beirut, Dar Al Kotib. (Arabic).

Al-Zahili, W. (1990). Enlightening interpretation in the doctrine, the Sharia and the method. Damascus, Dar Al Fikr Spreads. (Arabic).

Aromi, F. (1986). Modern school curriculum in interpretation. Beirut, ALresaleh Foundation. (Arabic).

Aromi, F. (1986). Trends of interpretation in the fourteenth century. Riadh, ALnakheil (Arabic).

Ayazi, M., A. (1994). Interpreters of the Qur'an, their lives and practices. Tehran: Mobin. (Arabic).

Chalabi, M. (1995). Analysis of his social association and crime of eradicating surfaces and clan, Tehran: Mizan. (Persian).

Dehkhoda, A., AK. (1956). Dictionary of Ali Akbar Dehkhoda. Tehran: Amir Kabir. (Persian).

Diakit, S. (1994). Development is not just a matter of technocracy, Translated by Mohaghegh, A. Tehran: Majmoea. (Persian).

Dini Turkmani, A. (2006). Explain the end of social capital. Tehran: Toos. (Persian).

Ehsani, M. (2008). Methodology of educational interpretation of Quran, Teranney. (Persian)

Esmacili, M. (2006). Investigation of social development indicators and its leveling in cities, Esfahan. (Persian).

Ghotb, S. (1991). Fee Dhelal Al Quran. Beirut, Dar Al Shooroogh. (Arabic).

Goldziher, Ig. (1333). Doctrines of Islamic interpretation, Translated by Abdul Halim Al-Najjar. Cairo. (Arabic).

Hamed, Sh. (2009). Innovation in the light of the Quran. Tehran, Kawthar. (Persian).

Hashemi Rafsanjani, A. (2015). Rahnama Interpretation: A new way of presenting concepts and topics in the Qur'an. Qom: Seminary Propaganda Office, first edition. (Persian).

Inglehart, R. (1994). Cultural transformation in an advanced industrial society, Translated by Maryam Vatar, Tehran: Kavir. (Persian).

Khorramshahi, B. (1985). Interpretation and new interpretations of the Qur'an. Tehran: Keihan. (Persian).

Khoshmanesh, A. (2008). Interpretation of Ayatollah Taleghani: An educated and Quranic address "Studies of Quran and Hadith", Tehran: Al-Zahra University. (Persian).

Maarefat, M. H. (2001). Interpretation and commentators. Qom: Al-Tamheed Cultural Institute. (Arabic).

Makarem Shirazi, N. Interpretation of Nemuneh. Tehran: Dar Al Kotob Al Islamiyeh. Second edition. (Persian)

MesbahYazdi, M., T. (2012). Society and history from the perspective of the Qur'an. Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute. (Persian).

Moaddab, S, R. (2001). Methods of interpreting the Qur'an. Qom: Eshragh.

Moddaresi, S., M., T. (1998). Men Had Ye Al Quran. Tehran: Dar Al Mobbeen Al Hosein. (Arabic).

Mohammad, A. (2013). Pathology of interpretive currents, Qom, Seminary and University Research Institute. (Persian).

Mo'meni. F. (2011). The relationship between social development and social justice. Tehran: Scientific and cultural publications. (Persian).

Motahhari, M. (2006). Society and history. Tehran: Sadra. (Persian).

Nafisi, Sh. (2006). Rationalism in the interpretations of the Qur'an in the fourteenth century. Qom: Book Garden Publications. . Second edition. (Persian)

Pakatchi, A. (2008). History of the interpretation of the Holy Quran. Tehran: Mouj. (Persian).

Qaraati, M. (2011). Tafsir Quran Noor. Tehran: Cultural Center Lessons from the Quran. Sixth edition (in ten volumes). (Persian).

Rasid Reza, M. (1992). Interpretation of the Holy Quran, Identified by Tafsir Al-Manar. Beirut, Daroalmarefe. (Arabic).

Rezaei Esfahani, M. A. (2008). Conceptology and methodology of educational interpretation of Quran. Qom, Al-Mustafa University. (Persian).

Rezaei Esfahani. M.A. (2006). The logic of the interpretation of the Qur'an. Qom, World Islamic Sciences Center Publications. (Persian).

Rocher. G. (1987). Social change, Translated by Mansour Vosoughi. Teran, Ney. (Persian).

Sadeghi Garmaroodi, A. (1997). The concept of development in the Quran and Sunnah. Tehran, Shahid Beheshti University, Proceedings of the First Conference on Islam and Development. (Persian).

Saei, A. (1998). Third World Economic and Political Issues. Tehran: Samt. (Persian).

Saleh, Abdul Qader, M. (2003). Interpretation and commentators in the modern era, Beirut, Daroalmarefe. (Arabic).

Shariati, M., T. (1982). Interpretation of the Nonien Quran. Tehran: Alborz (Persian).

Sharif, M., EB. (1981). The consequences of renewal in the interpretation of the Holy Quran in Egypt. Cairo: Dar Al Torath. (Arabic).

Tabatabai, S., M., H. Al Mizan in the interpretation of the Qur'an.Qom: Seminary Teachers Association Publications (Persian).

Taleghani, S., M. (1983). A ray from the Quran, Tehran: Publishing Joint Stock Co. (Persian).

Varjavand, P. (1989). Progress and development based on cultural identity. Tehran: Publishing Joint Stock Co.(Persian)

Examination and Explanation the Concept of Resilience as One of the Indicators of Development in Social Sciences and the Holy Qur'an

Jalil Beit Mashali¹, Saeed Abbasi Nia (Ph.D)²

Ali Hossein Hossein Zadeh (Ph.D)³

DOI: 10.22055/QJSD.2021.35107.2302

Abstract:

Social Development Indicators based on the recognized definitions for the concept of development and based on different perspectives and organizations and institutions that offer global reports of social development vary widely; but there are certainly many similarities between them and because the scope of the concept and consequently social development indices in the Qur'an are broader. Therefore, the Qur'anic verses cover the mentioned indexes, although some are more prominent and more emphasized. The preliminary investigation shows indicators such as: partnership, toleration, public supervision and so on, are more pronounced in Qur'an. One of these outstanding features is resilience. This study seeks the answer to this question, whether the meaning of resilience Index in social sciences, is compatible with Qur'an and the Qur'anic concepts or not? And is the concept of resilience that exists today in social sciences the same as the concept of resilience in the Qur'an or not?

¹ PhD student in theology, Quran and Hadith, Islamic Azad University of Abadan, Abadan, Iran, Beitmashal.jalil@gmail.com

² Professor, Department of theology, Quran and Hadith, Islamic Azad University of Abadan, Abadan, Iran (Corresponding Author), dr.abbasinya@iauabadan.ac.ir

³ Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, a.hosseinzadeh@scu.ac.ir



Key Concepts: Resilience, Social Development, Development Indicators, Social Sciences, Qur'an